



۲۰۲۰/۰۱/۰۹



عبد القیوم میرزاده

باز هم سخنی در باره تعصب



در باره تعصب، افراط گرایی و تأثیرات مرگبار آن در جهان و خصوصاً در جامعه بلا کشیده ما که بیش از چهار دهه جنگ، برادر کشی، تخریب و ویرانی همه ساختار های جامعه را پشت سر گذاشته طی نوشته های متعدد توضیح ارائه کرده ام. اما می بینم که هنوز هم این آفت کشنده اجتماعی در میان شماری از مردم و بالاخص در میان عده ای که خود را روشنفکر و روشنگر جامعه هم قلمداد می کنند و ویسایت هایی را هم در سیطره خویش دارند بازار پر رونق داشته و طی هر نوشته ای مخالفین نظریاتی خویش را با چنان تعصب کور به نفرین و استهزاء می گیرند که گویی بار دگر هیتلر و یهودیان در مقابل هم قرار گرفته اند. این آقایون و خانم ها دعوی روشنگری و روشنفکری داشته و هر کدام بالنوبه مقالات مبسوطی هم مینویسند ولی در هر مقاله در عوض وصل مجدد مردم بلا کشیده افغانستان، تقلیل و زدودن مخاصمات و کدورت ها و دلجویی و آشتی در پی فصل مردم اند و القاب را که سازمان های استخباراتی خارجی برای انقطابات اجتماعی کشور ما در زراد خانه های شان تدوین و استخراج کرده بودند و بوسیله آن جنگ های تحمیلی را بر ملت ما تحمیل، مردم ما را قتل عام و همه هستی کشور ما را تباہ و تاراج کردند، استفاده کرده و مخالفین نظریاتی خویش را که گاهی شامل طیف های بزرگ از جامعه میگردند بصورت کتلوی مورد نفرین، شماتت، نکوهش و عتاب قرار داده و در هر نوشته ایشان در باره هر موضوع و مسئله که مربوط مسایل روز مینویسند راه را کج ساخته بدون هر نوع رابطه موضوع را بر میگردانند و بر گروه هایی از مردم میتازند. این افراد متعصب که خود را داکتر، انجنیر، ژورنالیست، رئیس و وزیر هم مینامند آنقدر با عصبیت کور کورانه در این راه گام بر میدارند که سوال پیدا میشود: آقایون و خانم های محترم بیش از چهار دهه خون ریزی، تباہی، بر بادی، غلامی برای مردم کشور ما بس نیست که هنوز هم ملت را بطرف دشمنی و برادر کشی تحریک میکنید؟ بالای هریک نام گذاری های استخباراتی کرده و ملت را به جان هم می اندازید و خود که در بیشه های آرام امریکا و اروپا لمیده اید به تماشای جویبار خون ملت افغان نشسته اید. این کور دلان متعصب در حقیقت آنچنان در ضدیت با گروه هایی از مردم کشور قرار گرفته اند که با اسرار و لجاجت تمام گزینه های علمی، منطقی، حقیقی و واقعیت ها را نا دیده گرفته و تنها به باور های خود شان قدسیت قایل اند و تمام اعتقادات و باور های دیگران را مردود می شمارند. غرور و خود بزرگ بینی این افراد که احتمالاً در خانواده های متعصب هم تربیت و پرورش یافته اند هیچ مسئله ای را در چوکات منافع ملی به تحلیل و ارزیابی نگرفته بلکه هر موضوع را از عینک تعصب خویش می بینند. آنها جهان را طوریکه

خودشان می‌خواهند می‌بینند نه طوریکه وجود دارد. آنها برای خودشان جهانی وابسته، محدود و مختص به خودشان ساخته‌اند و واقعیت‌های پیرامونشان را اصلاً نمی‌بینند. افراد متعصب همه امور زندگی، اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ را با معیارهای قهرمانان خودشان به سنج می‌گیرند. هیچ اندیشه نو و فکری جدید را نمی‌پذیرند. بناً آنها با تمام قدرت بر علیه هر چه غیر از فکر خودشان است در جنگ و ستیز اند و همچنان تلاش بر این دارند تا فکر، باور و اعتقادشان را همه چشم پوشیده بپذیرند و یا در صورت امکان آنرا حتی به زور سرنیزه به مردم می‌قبولانند. آنها نمی‌دانند و یا هم نمی‌خواهند بدانند که رسیدن به باور و اعتقاد راهی نیست که کسی دیگر بجای کسی دیگر آنرا برود هر کی خودش باید این راه را ببیماید و به آن و یا این باور برسد، آنانیکه قبلاً این راه را پیموده‌اند تنها کاری که از دستشان بر می‌آید همین است که دلایل، شواهد و استنباطات خویش را به سایرین هم‌رسانی کنند نه اینکه آنرا به زور توپ و تفنگ براه خودشان بکشانند. هستند دانشمندان ژرف‌نگر و وطن‌دوست که با نگاه ژرف و دانشمندان در پرتو منافع ملی کشور دوره‌های مختلف تاریخ کشور را به تحلیل و ارزیابی گرفته، نارسایی‌ها، کجروی‌ها، ندانم‌کاری‌ها، خیانت‌ها و جنایات بوقوع پیوسته را با در نظر داشت اوضاع و انکشافات منطوقی و بین‌المللی آنزمان به نقد گرفته و خطوط روشن منافع ملی کشور ما را برای نسل‌های آینده نشانی می‌کنند. تا از یکطرف مردم و بالاخص جوانان این نیروی بالنده کشور از جریان انکشافات تاریخ و جامعه خویش آگاهی حاصل کنند و ازطرف دیگر با درس عبرت از تجارب گذشته از تکرار اشتباهات، خیانت‌ها و کجروی‌ها برحذر مانند. اما این متعصبین سیاه‌دل و یا آنانیکه نظریات دگم‌اندیشویی، مذهبی، سیاسی، ملی، نژادی و یا فرهنگی دارند تمام افراد غیر خودشان و یا غیر هم‌فکرشان را دشمن مطلق می‌شمارند، دنیای آنها در محدوده‌ای همان فکر دگم‌شان محدود می‌باشد. آنچه در این محدوده خطرات بزرگ و تبااهی را متوجه زندگی و امنیت مردم افغانستان می‌گرداند همانا آشتی‌ناپذیری این متعصبین با دگراندیشان در جامعه ما می‌باشد زیرا این افراد متعصب بسیار خشونت‌گر، انعطاف‌ناپذیر و تا سرحد جنون وابسته به یک محدوده‌ای فکری و مصالحه‌ناپذیر که هر آن آماده‌اند در راه فکر دگم‌شان همه‌آهائیکه آنچنان فکر نمی‌کنند نفرین کرده و از میان بردارند. از نظر من این برخورد‌های تعصب‌آمیز این گروه کوچکی از متعصبین است که برای بسیاری از مردم خاصاً قشر جوان کشور فضای بی‌اعتمادی ایجاد کرده و بحران اعتماد را در کشور ما دامن می‌زند. به همین مناسبت جوانان کشور ما تا کنون نتوانسته‌اند در فضای اعتماد کامل باورمند نیروی خود گذشته و روش مناسب در راه تحقق منافع ملی کشور اتخاذ بدارند. فرق این متعصبین روشنفکر نما با طالبان، داعشیان و اسلامگراهای افراطی همین است که آنها با استفاده از ظرفیت‌های نظامی و لوژستیک کشور‌های خارجی منجمله پاکستان و ایران در اولین برخورد به محو فزیک‌مخالفین‌شان عمل می‌کنند و لی این متعصبین روشنفکر نما تخم نفاق و جدایی و مخاصمت در میان مردم می‌کارند که ثمرش در دراز مدت همان است که طالب و داعش انجام می‌دهد. همین خصوصیت تعصب و افراط‌گرایی است که کشور ما را زیر سیطره ایدئولوژی‌های راست و چپ، مذهبی، سمتی، قومی و زبانی قرار داده و بطرف پرتگاه نیستی هل می‌دهد. از بررسی‌هاییکه در میان این متعصبین اعم از مذهبی، ملی، ایدئولوژیک و فرهنگی صورت گرفته بوضاحت میرساند که همه برنامه‌های این متعصبین افراط‌گرا مالا مال از خشونت، کشتن بستن، محو فزیک‌مخالفین، جنگ، انتحاری، پخش و اشاعه نظریات افراطی در زیر عناوین بسیار ارزشمند دینی، شعارهای میهن پرستانه و سایر خطوط فکری چون چسپیدن به شخصیت‌ها و رهبران دولتی و حکومتی که دگر وجود ندارند ولی برای عده زیادی از مردم از اهمیت معنوی برخوردار می‌باشد

سوء استفاده ابزاری میکنند. ذهن و مغز این افراد متعصب با گرایش‌های افراطی حتی آماده‌گی شنیدن نظریات غیر از خود را ندارند، آنها تنها چیزهایی را می‌خواهند بخوانند، بشنوند، ببینند و لمس کنند که به آن باور دارند و وابسته شده‌اند و تمام جهان خارج از این خط را نفی میکنند و از نظرشان باطل است. این متعصبین بدون اسناد، شواهد، مدارک اثباتیه کتله بزرگ از انسانهای شرافتمند، با دیانت، وطن‌دوست، مردم‌دوست و انسان‌محور را با کلمات بسیار زشت دور از کرامت انسانی که نمایانگر تربیت و سیرت خودشان میباشد یاد کرده و در مسند قاضی القضاة کُل جهان نشسته و چنان حکم صادر میکنند تو گویی خود چه فرشتگانی آسمانی اند. اگر کمی به علایق و سوابق این جنابان نظر انداخته شود به آسانی در میابی که هر کدام شان ده‌ها فقره فساد، دزدی، اختلاس، سوء استفاده از بیت المال، سوء استفاده از چوکی و قدرت، زد و بند‌های پنهانی مغایر منافع ملی با کشورها و کمپنی‌های خارجی و اعمال دور از کرامت انسانی در تاریخچه زندگی و عملکرد خویش دارند. این متعصبین هیچگاهی خود را در آینه نمی‌بینند. در هیچ نوشته آنها انتقاد از خود جا ندارد. آنها هرگز خود و قهرمانان خیالی‌شان را به نقد ارزیابی نمی‌گیرند. همه ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها، انتقادات، نفرین‌ها، شتاب‌ها و عتاب‌هایشان متوجه مخالفینشان است. اگر بصورت کل همه انواع تعصب را در نظر بگیریم تقریباً همه متعصبین و افراطیون وظیفه‌خدایی را انجام میدهند که گویا آنها زمین را از افراد مضر، نجس و ناپاک منزه میگردانند. در جهان ما هم اکنون نمونه‌های فراوان گروه‌های این چنینی هم در میان عیسویان، مسلمان‌ها، هندو‌ها، ملی‌گرایان، ایدئولوژی‌های سیاسی با دکتترین خاص و فرقه‌گرایان نژادی وجود دارد که هر از گاهی برای اهداف خاص استراتژیک و سیاسی از آنها بهره‌برداری صورت گرفته و یا شاخه‌های آن در کشورها مورد نظر تأسیس و ایجاد میگردد. هکذا همین تعصب و افراط‌گرایی است که دارنده گانش را افراد لجوج، خود بزرگ‌بین، خود محور، دگم‌اندیش که هیچگاهی موضوعی را با استدلال منطقی ارایه کرده نمیتواند و خود را برتر از همه میدانند بار می‌آورد. همچنان این وابستگی‌های شدید فکری و عملی نسبت به اشخاص، عقاید و یا هر شئی دیگر است که عامل انتقال بسیاری از زشتی‌ها، خرافات و روش‌های ناپسند غیر انسانی به بهانه‌ای حفظ آداب و سنن از نسلی به نسلی دیگر میگردد انسانها را به لجاجت و تقلید کورکورانه وا میدارد و سرچشمه‌ای بسیاری از کشمکش‌ها، جنگ‌ها و خونریزی‌ها و اختلافات جامعه بشری میباشد. کوتاه فکری، جهل، تکبر، خودخواهی، خود بزرگ‌بینی، داوری و پیش‌داوری بدون دلایل منطقی همه نتایج تعصب و افراطیت بوده که پرده‌ای ضخیمی بروی عقل انسان هموار میکنند تا عقل دیگر قادر به دیدن هیچ چیزی نباشد از همین جاست که متعصبین و افراط‌گرایان همه نابسامانی‌های خود و اجتماع ماحول‌شان را در غیر خودی‌ها و دیگر اندیشان مینینند و تمام بار ملامت را بدوش‌انهای میاندازند که فکر و اندیشه خلاق دارند.

درفضای عقب مانده کشور ما در اواسط قرن بیستم که بیش از ۹۰ درصد مردم ما در شرایط بسیار دشوار بیسواد، فقر، بیکاری، پاهین بودن سطح آگاهی مردم از مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بسر میبردند و هکذا در زیر فشار مضاعف جنگ سرد ایدئولوژی‌های چپ و راست، سرخ و سبز از بیرون وارد کشور ما گردید و جامعه شهری را متلاشی و به قطب‌های آشتی‌ناپذیر منقسم گردانید. چون سطح آگاهی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این شهر نشینان و مردم بسیار نازل بود عده از آنها مانند مور و ملخ به این ایدئولوژی‌ها چسبیده و از آن برای خود کتاب‌های مقدس ساختند و بنابر خصوصیت فرهنگی جامعه ما اشاعه‌کننده گان آن را بحیث رهبران امپراطور مآب مادام‌العمر همچنان با قدسیت و پیغمبر مآب پذیرفتند و در جریان کارزار سیاسی و اجتماعی تمام منافع علیای ملی را فدای این

ایدیالوژی ها و رهبران خویش کردند و همه آنهايي را که چنين نمي انديشيدند يا بهتر بگويم دگر اندیشان را یکسره دشمن خونی خویش قلمداد کردند و در پی قلع و قمع آن بر آمدند. عده از رهبران این متعصبين و افراط گرایان سیاسی و ایدیالوژیک حتی به اعضای سازمان سیاسی خود هم رحم نکردند و اولین تصفيه های مخالفين را از سازمان های خود هم شروع کردند. از اینجا بود که فضا در کشور ما روز تا روز مختنق تر شده و طرف های دیگر جنگ سرد که در کمين نشسته بودند با ایجاد، پخش و اشاعه تعصب کور مذهبی و افراط گرایی پا فراتر گذاشته به همه مردم کشور که در قلمرو مخالفين شان زندگی میکردند یکسره حکم تکفیر صادر کرده و واجب القتل دانستند و تا حد آخرین امکان شان به هر وسیله ایی مردم را کشتند و دار و ندار مردم را به یغما بردند و کشور را به تباهی کشاندند و دامنه این تعصبات روز تا روز فراتر گشته و کران تا کران میهن ما را فراگرفته است. که این سلسله همین اکنون بوسیله مراجع نظامی – استخباراتی، مذهبی و مدارس دینی با صرف میلیارد ها دالر در داخل و خارج کشور ما از جانب سازمانها و کشور هاییکه از این راه در جستجوی اهداف خویش اند بصورت مداوم در تولید و باز تولید مجاهد، طالب، داعش، ناسیونالیست افراطی قومی، نژادی، مذهبی و ایدیالوژیک مصروف هستند.

به دلایلی که در بالا ذکر کردم بنابر سیاست های استیلا گرانه کشور های همسایه و در سایه مخوف جنگ سرد بین شرق و غرب، تبلیغات کر کننده و فضای مختنق سیاسی بعد از جنگ دوم جهانی و عوامل داخلی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور کتله هایی از مردم ما تحت تأثیر اندیشه های وارداتی شرق و غرب و اسلام سیاسی قرار گرفتند که وابستگی رهبران این کتله ها به کشور های خارجی پای سیاست های بلاک های شرق، غرب، کشور های اسلامی و سازمان های تروریستی را در کشور ما باز کرده و سلسله کودتا ها و ضد کودتا ها را یکی پی دیگری در کشور ما راه انداخت و تا سرحد تجاوز مستقیم نظامی کشور های خارجی را مسبب گشت که هر کدام این مسایل مستلزم کاوش دانشمندان بوده و متخصصین و دانشمندان جامعه شناسی، تاریخ، علوم سیاسی، حقوق و اداره بانیست این کار را بسر رسانند. همه اتباع افغانستان و دست اندر کاران مسایل افغانی حق دارند دانستنی ها، نظریات و چشمدید های شان را بصورت مستند به طریقه های مختلف پخش و اشاعه کنند. ولی هیچ کس حق ندارد کتله بزرگ از انسانها را با خانواده هایشان بصورت دسته جمعی بخاطر باور هایشان و یا مشارکت شان در ادارات روتین یک نظام مورد نفرین، توهین و عتاب قرار دهند.

انعطاف پذیری و مصالحه دو رکن اساسی بار آوری انسان دگر اندیش میباشد که انسان را با معیار های فوق العاده انسانی و پذیرش دیگران یاری میرساند. انتقاد پذیری، فورمولبندی انتقاد سالم با ارایه دلایل منطقی میرا از بغض و کینه و پذیرش اشتباهات از خصیصه دیگر دگر اندیشی می باشد، فرا گیری چنین خصایل انسانی و عمومیت بخشیدن آن در میان همه مردم نفاق را جلو گرفته و ففاق و آشتی میان مردم بمیان می آید.

بیباید در هر کجایی با هر فکر و نظری که هستیم همه خرد، توانایی، امکانات و دانش خویش را برای وصل مردم خویش بکار گیریم. سعی کنیم تا کدورت ها را از دل هایمان بزدايم و همدلی و همیاری را پیشه کنیم. همدلی و همیاری یعنی با عینک دیگران هم دنیا را دیده بتوانیم، خود را جای دیگران قرار بدهیم و برای لحظات کوتاه آنچه برای دگران مهم است هم اهمیت قابل شویم. با همدلی و همیاری انسانها بیشتر محترم، بیشتر دوست داشتنی تر و بیشتر معزز و گرامی میگردند.

**** * * * * *

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف"

باز هم سخنی در باره تعصب
mirzada_q_۱۲۱_baazham_dar_baaraye_ta_asob.pdf